

چکیده پایان نامه:

رسالت اصلی دانشگاه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج، ارتقاء دانش، گسترش تحقیق و فراهم نمودن زمینه مساعد برای توسعه کشور است. آموزش پزشکی بخشی از نظام آموزش عالی است که با حیات انسانها سروکار دارد و توجه به جنبه‌های کمی، کیفی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از جنبه‌های بسیار مهم و حساس در شکل‌دهی توانمندیهای حرف پزشکی ارزشیابی نظام آموزشی دانشگاههاست.

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که به منظور تعیین وضعیت کمی و کیفی درون داد و فرآیند آموزش بالینی در دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۸۱-۱۳۸۰ انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که بعد از تعیین روایی و پایایی ($\alpha = 0/89$)، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و با استفاده از شاخص‌های مرکزی پراکندگی آزمون واریانس یکراهه، آزمون شفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج این مطالعه نشان داد که از مجموع ۷۷۸ نفر دانشجوی بالینی، ۳۸۱ نفر ۴۹/۱۱٪ در دوره کارورزی، ۲۲۳ نفر ۲۸/۶۱٪ در سال دوم بالینی، ۱۷۳ نفر ۲۲/۲۳٪ در سال اول بالینی به تحصیل مشغولند. با عنایت به شاخصهای ارزیابی آموزش بالینی، نسبت دانشجو به استاد (۳/۶)، نسبت تحت آموزشی به دانشجو (۱/۶) و نسبت بیمار بستری به دانشجو (۱/۳) و نسبت کتب تخصصی به دانشجو (۱۶/۱) می‌باشد.

نتایج آزمون آنالیز واریانس نشان داد که بین نظرات دانشجویان در مورد هریک از حیطه‌های تسلط علمی، مدیریت آموزشی و توانایی ارتباط و مشاوره اساتید برحسب سن و جنس اختلاف آماری معنی‌داری وجود ندارد. ($P < 0/03$). همچنین آزمون شفه نشان داد که نظرات دانشجویان سال اول بالینی در مورد تسلط علمی اساتید بهتر از نظرات دانشجویان دوره کارورزی می‌باشد.

به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش فوق نشان داد که اکثریت دانشجویان تسلط علمی و توانایی ارتباط و مشاوره اساتید را خوب تا متوسط ارزیابی نمودند. همچنین حیطه مدیریت آموزشی در حد متوسط تا ضعیف ارزیابی شد.